

تفاوت برنامه درسی^۱



برنامه ریزی درسی^۲

دکتر زهره سعادتمد^۳

ashraf.asiliani^۴

چکیده

در این مقاله که مبتنی بر تفاوت بین برنامه‌ی درسی و برنامه‌ی ریزی درسی می‌باشد، سعی شده با تعاریفی که از برنامه‌ی درسی و برنامه‌ی ریزی درسی وجود دارد تاحدوی این تفاوت مشخص شود. که برای رسیدن به منظور فوق اشاره ای هرچند اندک به تعاریف و دریافت‌های غلطی که از برنامه‌ی درسی وجود دارد شده تا مفهوم موضوع بیشتر قابل درک شود. همچنین تاریخچه‌ی برنامه و برنامه‌ی ریزی درسی، قضیه‌ی اسپاتنیک، تمایز علمی و غیر علمی برنامه درسی مورد بحث قرار می‌گیرد. برنامه درسی با سایر رشته‌های علوم تربیتی در ارتباط است و دیدگاه‌های مختلفی از جمله عقل‌گرایی آکادمیک، رشد و توسعه فرآیند‌های ذهنی، خود شکوفایی و بازسازی اجتماعی درباره برنامه درسی وجود دارد. دردامنه به مفاهیم غلط از برنامه درسی و تعریف‌های متفاوت از نظر برنامه ریزان جهان اشاره می‌شود و در نهایت به تفاوت برنامه و برنامه ریزی درسی و اشتباه برنامه ریزان پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی، برنامه ریزی درسی

^۱ curriculum

^۲ planning curriculum

آستانه‌یار دانشگاه آزاد خواراسگان



^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی

مقدمه

لرورم تغییرات اساسی در نظام آموزش و پرورش، امری است که بر صاحب نظران و مسئولان پوشیده نیست و بدیهی است که این تغییرات بدون توجه به اصول برنامه ریزی، نتیجه‌ی چندانی نخواهد داشت. بدین جهت است که برنامه ریزی درسی، منطبق با ارزش‌های والای اسلامی و با توجه به پیشرفت علم به عنوان بخشی از برنامه ریزی آموزشی از الیت خاصی برخوردار است. آشنایی با برنامه ریزی درسی و شناخت شیوه‌ها و روش‌هایی که تاکنون در کشورهای مختلف جهان عمل شده است، ما را در مسیر برنامه ریزی اصولی یاری خواهد داد. آموزش و پرورش زمانی می‌تواند از نظر کیفی به آرمانهایش برسد که با الهام از ارزش‌های اسلامی و سنت‌های مردمی بتواند برنامه‌ی درسی خود را با توجه به اصول برنامه ریزی تدوین نماید. بهر حال باید در این راه قدمی برداشت تا کارشناسان، صاحب نظران و متفکران به فکر یافتند که در این زمینه پیشنهادات، طرح‌ها و راه حل‌های خود را ارائه دهند. این مقاله نیز گامی کوچک در جهت بررسی تفاوت برنامه‌ی درسی و برنامه ریزی درسی است که سعی شده تصویری واضح و روشن از این مفاهیم در اختیار جویندگان علم قرار گیرد.

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

- ۱- برنامه: برنامه به آنچه که در قالب طرح تهیه شده اطلاق می‌شود. (پرونده، ۱۳۷۹)
- ۲- برنامه ریزی: در یک تعریف برنامه ریزی به تفکرات و محاسبه‌ها و پیش‌بینی‌ها اطلاق می‌شود. (پرونده، ۱۳۷۹)
- ۳- طراحی و نقشه کشیدن برای نیل به هدف‌ها را برنامه ریزی گویند. (تقی پور ظهیر، ۱۳۷۷) برنامه ریزی فراگردی است مداوم، حساب شده و منطقی، جهت دار و درونگر، به منظور هدایت و ارشاد فعالیت‌های جمعی، برای رسیدن به هدف‌های مطلوب. (فیوضات، ۱۳۵۶) در تعریف دیگر برنامه ریزی یعنی نقشه کشیدن، نقشه کشیدن برای نیل به مقصد، برای دستیابی به خواسته‌ها (فیوضات، ۱۳۵۶)



به طور کلی می توان گفت به مجموعه فعالیت های منظم که از تعیین هدف شروع می شود و با انتخاب روشها و وسائل مناسب با هدف ادامه پیدا می کند و سپس به اجرا در می آید و ارزشیابی می شود برنامه ریزی می گویند.

برنامه‌ی درسی

معنای محدود آن معادل فهرست دروس مطالب درسی (syllabus) می باشد و معنای گسترده تر آن برنامه‌ی تفضیلی کلیه‌ی فعالیت های یادگیری فرآگیرنده، انواع وسائل آموزشی، پیشنهاداتی در مورد راهبردهای یادگیری و شرایط اجرای برنامه و ... می باشد. (فیوضات، ۱۳۵۶)

برنامه‌ی درسی یا Curriculum از ریشه‌ی لاتین Race course و به معنای میدان مسابقه و یا فاصله و مقدار راهی است که افراد باید طی کنند تا به هدف مورد نظر برسند. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)

برنامه ریزی درسی

عبارت است از برنامه ریزی فعالیت های یاد دهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده و ارزیابی میزان تحقق این تغییرات (مشايخ، ۱۳۷۶)

برنامه ریزی درسی از لحاظ مفهومی اشاره به یک فرآیند دارد که حاصل یا نتیجه‌ی آن برنامه‌ی درسی است. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)

معنای لغوی (curriculum)

کری کیولوم از نظر لغت از کلمه‌ی لاتین (curer) به معنای راهی که باید طی شود گرفته می شود. the course to run این تصور بر یک مسیر یا برخی موانع یا وظایفی دلالت می کند که هر فرد بر آنها غلبه پیدا می کند یعنی مقوله هایی که دارای آغاز و انجامی است و باید هدفهایی از آنها منتج شود. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)



تاریخچه‌ی برنامه‌ی درسی و برنامه ریزی درسی

با وجودی که برنامه ریزی درسی و آموزشی عنوان یک علم جوان هنوز کاملاً معمول و شناخته نشده است با وجود این دارای سوابق تاریخی قابل توجهی می باشد. بردي لاوريزو بلا معتقدند که قدیمی ترین نمونه یک برنامه ریزی آموزشی و درسی جامع در کتاب جمهوریت افلاطون آمده است که در آن احتیاجات جامعه و برنامه مدارس برای برآورده نمودن آن احتیاجات در نظر گرفته شده است. کومبز تحت عنوان اسلاف به برنامه ریزی آموزشی اشاره می کند که گزنوون در قانون اساسی اسپارت قدیم آورده است که چگونه اسپارتی ها در ۲۵۰۰ سال پیش برنامه ریزی آموزشی و درسی خود را مطابق هدفهای صریح نظامی و اقتصادی تنظیم می کرده اند. همچنین در قرون وسطی نیز توجه به برنامه ریزی آموزشی و درسی در بعضی از کشور های اروپایی مبدول می شده است از جمله در اواسط قرن ۱۶ جان ناکس طرح یک نظام آموزشی ملی را برای مدارس و موسسات آموزش عالی در اسکاتلندر تهیه و پیشنهاد نمود. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)

در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی زمینه ی رای یک تحول عظیم و شگرف در دیدگاه و فلسفه‌ی آموزش و پرورش بطور اخص بوجود آمد. نظرات مریبانی چون کمنیوس و روسو در تعلیم و تربیت انقلابی همانند انقلابی که کپر نیکوس در علم نجوم بوجود آورده بود پدیدار نمود. این انقلاب که به انقلاب کپر نیکی در تعلیم و تربیت معروف است توجه مریبان را از انتقال دادن دانش به سوی طبیعت و ماهیت یادگیرنده و استعداد و توانمندیها یش معطوف کرد. این انقلاب نقطه‌ی عطفی در آموزش و پرورش به وجود آورد و راه را برای تهیه و تنظیم برنامه‌های آموزشی و درسی منطبق با نیازها، احتیاجات کودک هموار نمود. در قرون ۱۸ و ۱۹ مدارس جدید با برنامه‌های جدید در اروپا ظاهر شد و مریبانی چون پستالوزی، هربارت و فروبل در تهیه و تنظیم چنین برنامه‌های جدید سهم به سزایی داشتند. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)

قضیه‌ی اسپاتنیک

در اکتبر سال ۱۹۵۷ کشور سوری با پرتاب سفینه‌ی فضایی اسپاتنیک شماره‌ی ۱ در مسابقات فضایی از سایر کشور های جهان از جمله آمریکا پیش افتاد. آمریکا که از این رویداد ناراحت بود در صدد پی جویی در علل بوجود آورنده‌ی این شکست بر آمدند و بالاخره به این نتیجه رسیدند

که یکی از مهمترین علل این عقب ماندگی و شکست، ضعف در نظام آموزشی و بخصوص ضعف در برنامه ریزی های درسی آموزشی و مدارس کشور است. که با توجه به شناسایی مشکل، کوشش های گسترده ای را همرا با اختصاص بودجه ای کلان برای تجدید نظر و اصلاح برنامه های آموزشی و درسی در نظر گرفتند و نتیجه برنامه ریزی صحیح آنها این شد که در کمتر از ده سال نه تنها در زمینه‌ی علوم پیشرفت چشمگیری داشتند بلکه در سایر زمینه‌ها توانست در میدان رقابت از سایر ملل پیش افتد. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)

تمایز های اولیه‌ی تعریف برنامه‌ی درسی

جرج بوشامب در کتاب نظریه‌های برنامه‌ی درسی سه کاربرد متفاوت از واژه‌ی برنامه‌ی درسی را از یکدیگر تمیز داده است؛

- ۱ به عنوان ارجاعی به یک پدیده حقیقی و محتوایی یعنی برنامه‌ی درسی
- ۲ به عنوان نامی برای یک نظام آموزشگاهی
- ۳ به صورت عنوانی از یک زمینه‌ی مطالعاتی

هری شوفیلد معتقد است که قلمرو برنامه‌ی درسی باید متمایز از برنامه‌ی درسی در نظر گرفته شود. (ملکی، ۱۳۸۱)

تمایز علمی و غیر علمی

تمایزی دیگر بین تعریف های علمی و غیر علمی یا عمومی برنامه‌ی درسی مطرح است. طبق نظر ایزرائل شفلر، تمایز تعریف های علمی از غیر علمی این است که تعریف های علمی دارای مفاد فنی بوده، مستلزم دانش تخصصی و استفاده از معیار های خاص در ارزشیابی آن است.

برنامه‌ی درسی به عنوان محتوا

تعریف برنامه‌ی درسی از دیدگاه سنتی، از نقطه نظر محتواست. این مفهوم، هر چند امروزه چندان متدائل نیست، ولی هنوز توسط برخی نظریه پردازان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این دیدگاه، برنامه‌ی درسی را از طریق دوره‌های مطالعاتی شناسایی می‌کند که شامل فهرستی از



محتوا، موضوعات یا مواد درسی است. برنامه‌ی درسی عبارت است از: آنچه می‌باید به دانش آموzan تدریس شود. محتوا اغلب از طریق موضوعات درسی معین، یعنی تجمعی از دانش سازمان یافته، شناسایی می‌شود. این نگرش در کار نظریه پردازان پایدار گرا و اساس گرا مطرح است. همه‌ی طرفداران این دیدگاه در انتخاب موضوع درسی با جهت گیری پایدار گرایان و اساس گرایان همگام نیستند. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)

شناسایی برنامه‌ی درسی به عنوان محتوا براین فرضها استوار است:

- ۱ هیچ گونه تمایزی بین برنامه‌ی درسی و موضوع درسی وجود ندارد.
- ۲ بین آموزش و برنامه‌ی درسی تمایزی روش وجود دارد، برنامه‌ی درسی عبارت است از: محتوا (آنچه که تدریس می‌شود)، و آموزش عبارت است از فرآیند آن (چگونه تدریس می‌شود). به طور سنتی، دست اندر کاران تعلیم و تربیت بر این باورند که، اگر کسی درسی را بداند، می‌تواند آن را تدریس کند. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)

برنامه‌ی درسی به عنوان تجربه‌ها

تعریف برنامه‌ی درسی به عنوان تجربه‌ها، که دامنه‌ی آن از دانش آموزان به مدرسه و به تجربه‌های زندگی می‌رسد، واکنشی به رویکرد سنتی تعریف برنامه‌ی درسی به عنوان محتوا بوده است. برنامه‌ی درسی به عنوان تجربه‌ها، شامل مفهومی از برنامه‌ی درسی است که اغلب در فعالیت‌های پیشرفت گرایان مشهود بوده و طبق نظر رول، هنوز هم متداولترین مفهوم به شمار می‌رود. مفهوم سنتی برنامه‌ی درسی از این نظر که یک دو گرایی نامطلوب را تقویت کرده مورد انتقاد قرار گرفته است. به نظر می‌رسد تاکید بر موضوع درسی، موجب بسی توجهی به یاد گیرنده و جداشدن مدرسه از سایر بخش‌های زندگی می‌شود. انتقادی که اغلب در مورد رویکرد تجربه‌ها مطرح است این است که، این تعریف‌ها با در بر گرفتن همه‌ی فعالیت‌ها و تجربه‌های آموزشگاهی، بسیار وسیع به نظر می‌رسد. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)



برنامه‌ی درسی به عنوان یک طرح

تعریف برنامه‌ی درسی به عنوان طرح برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۶۰ ظاهر شد. تابا یکی از نخستین حامیان چنین موضوعی، برنامه‌ی درسی را به عنوان طرحی برای یادگیری توصیف کرد.

مک دو نالد: آن دسته از تلاش‌های طرح ریزی که قبل از آموزش انجام می‌شود به عنوان برنامه‌ی درسی تعریف می‌کند. اگر برنامه‌ی درسی یک طرح است، چه نوع طرحی خواهد بود؟ طرحی برای روش تدریس؟ طرحی از هدف‌های عینی؟ طرحی از محتوا؟ یا طرحی از هر سه مورد؟

تابا می‌گوید: برنامه‌ی درسی طرحی برای یادگیری است. اگر برنامه‌ی درسی معادل طرح باشد، چه تفاوتی با یک طرح درس خواهد داشت؟ یک طرح درس چگونه از یک طرحی برای یادگیری متمایز می‌شود؟ (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)

رابطه‌ی برنامه‌ی درسی با سایر رشته‌های علوم تربیتی

رشته‌ی برنامه‌ی درسی در وهله‌ی اول با رشته‌های سه گانه‌ی آموزش (طراحی آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت) ارتباط دارد.

۱- رابطه با رشته آموزش: نسبت میان رشته‌ی برنامه‌ی درسی و طراحی آموزشی، قدمتی برابر رشته‌ی برنامه‌ی درسی دارد و از جمله مباحث نظری حل نشده در این رشته به شمار می‌رود.

۲- رابطه با رشته‌ی برنامه‌ریزی آموزشی: این موضوع برخلاف موضوع قبلی (که موضوعی جهانی است) موضوعی کاملاً ایرانی است و آمیختگی میان این دو موضوع در هیچ کجای دیگر مشاهده نشده است. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)

قلمرو برنامه‌ی آموزشی و موضوع آن

این قلمرو معطوف به وضع شاخص‌های کمی برای نظام آموزشی در سطوح مختلف، از خرد تا کلان، و ارزیابی میزان تحقق آنها از منظر کمیت هاست.



قلمرو برنامه‌ی درسی و موضوع آن

این قلمرو معطوف به کیفیت‌ها، هدف‌های کیفی - تربیتی و آموزشی، در نظام آموزشی در سطوح مختلف، از خرد تا کلان است. برنامه‌های درسی به عبارت دیگر، ترجمان هدفهای آموزشی و تربیتی نظام آموزشی و مهمترین ابزار تحقق این هدف هاست.

رابطه با رشته‌ی فلسفه تعلیم و تربیت

یکی از بحث‌های اساسی در قلمرو برنامه‌ی درسی، بحث در باره‌ی دید گاهها، مفهوم پردازها یا ایدئولوژی‌های برنامه در قلمرو برنامه درسی است. ایدئو لوژ یها در واقع نظریه‌های فلسفی برنامه‌ی درسی می‌باشد که هر کدام جهت گیری‌های خاص را برای برنامه‌ی درسی توصیه و توجیه می‌نمایند. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)

دید گاههای برنامه‌ی درسی

طبقه بنده که از دید گاههای برنامه ریزی درسی ارائه شده است، در حقیقت به عنوان یک فرا نظریه شناخته می‌شود. در زمینه‌ی برنامه‌ی درسی چهار دید گاه متضاد ارائه گردیده است.

دیدگاه رشد و توسعه‌ی فرایند های ذهنی و عقلی

مطابق این دید گاه، به برنامه‌ی درسی به عنوان پدیده‌ای در خدمت رشد و توسعه‌ی فرایند های ذهنی نگریسته می‌شود. مدافعان این دید گاه بر این باورند که، مهمترین نقش یا کارکرد مدارس عبارتند از تعقیب دو هدف:

الف) کمک به دانش آموzan تا بیاموزند که چگونه یاد بگیرند.

ب) فراهم آوردن فرصت‌های یادگیری برای دانش آموزان به منظور تقویت انواع مهارت‌ها و تواناییهای ذهنی.

بنابر این هدف و نقش مدرسه در این دو خلاصه می‌شود. بر اساس این نظریه، ذهن انسان از مجموعه‌ای از تواناییها و استعداد‌های نسبتاً مستقل از یکدیگر، مثل قدرت استنباط، قدرت تحلیل، قدرت پیش‌بینی، قدرت حل مسئله، قدرت حفظ کردن و غیره تشکیل شده است.

فعليت بخشيدين به اين قوا و استعدادها، توان برخورد مناسب را با مسائل بدیع و بی سابقه که در

طول زندگی به طوری اجتناب ناپذیر برای یک فرد پیش می اید، به او اعطا می کند. حامیان این دید گاه مخالف سرسخت انتقال اطلاعات و دانش به دانش آموزاند و برای این کار به تنها یعنی هیچ ارزش و اصالتی قابل نبوده، حتی آموزش نظریه ها و مبانی نظری علوم به دانش آموزان را نیز از این قاعده مستثنی نمی دانند. با توجه به این دید گاه، برنامه‌ی درسی باید به جای محور قرار دادن محتوا، به فرایند ها توجه کنند و انها را محور آموزش و تعلیم و تربیت قرار دهند. ریشه‌ی این نظریه به مکتب قدیمی روانشناسی فری نولوژی باز می گردد. (رهبر این مکتب گال و اسپرزا هایم)

به طور کلی برنامه‌ی درسی مبتنی بر این دید گاه، اغلب از نوع برنامه‌های «مسئله محور» است. در این نوع برنامه دانش آموز ترغیب می شود مسائل و مجهولاتی را که خود مایل به حل آنهاست شناسایی کند.

دید گاه عقل گرایی آکادمیک

طرفداران این دید گاه معتقدند، کارکرد و نقش اصلی مدرسه عبارت است از: تقویت و رشد قوای ذهنی دانش آموزان در آن دسته از موضوعات درسی که از ارزش بالای یادگیری برخوردارند. تفاوت این دید گاه با دید گاه قبلی این است که، دید گاه قبلی طرفدار برنامه‌های درسی فرآیند محور است و بدین ترتیب با توجه نکردن به محتوا، ارزش و اصالت آن را در برنامه مورد تردید قرار می دهد. لیکن دید گاه عقل گرایی آکادمیک بر محتوا تاکید دارد و معتقد است، مدارس مکانهای خاصی هستند که رسالت آنها به عنوان نهادهای اجتماعی نباید بروز واکنش برای پاسخ گویی به مسائل اجتماعی و این که شرایط اجتماع چه چیزهایی را اقتضا می کند، به هیچ عنوان ملاک تصمیم گیری در این دید گاه نیست. این دید گاه بر تقویت قوای ذهنی فرد تکیه دارد.

دید گاه خود شکوفایی یا ارتباط شخصی

این دید گاه بر تقدم و الویت معنادار بودن برنامه‌ها برای فرد مبتنی است، و مسئولیت مدرسه را هم در تمهید و اجرای برنامه‌های منطبق و سازگار با این الویت می داند. به عبارت دیگر، فرد محور و منبع اطلاعات و تصمیمات برنامه‌ای است. در این دید گاه، اجرای برنامه‌های از پیش

تعیین شده هرگز توصیه نمی شود و طرفداران آن معتقدند که اگر برنامه به صورت مرکز طراحی و اجرا شود، یقیناً بر شناخت دقیق نیازها و عالیق دانش آموزان و شرایط متنوع آنان مبنی نخواهد بود.

دید گاه باز سازی اجتماعی / تطابق اجتماعی

این دید گاه بر تقدم نیاز های جامعه بر نیاز های فرد، مبنی است. در این دید گاه دو نظریه کلی حال نگر و آینده نگر وجود دارد.

نظریه ای حال نگر معتقد است، تعلیم و تربیت باید در راستای تطبیق با شرایط موجود اجتماع سوق داده شود. در تشخیص نیاز جامعه نیز باید بر اساس دید گاههای رادیکال و دید گاههایی که مستلزم ایجاد تغییر و تحول بنیادی در ساختار اجتماع و در ساختار قدرت آن است عمل کرد.

نظریه ای آینده نگر از آن کسانی است که معتقدند، در عین حالی که برنامه های درسی باید بر مبنای نیاز های اجتماع بناسود، اما لازم است به جای جامعه ای حاضر، نیاز های جامعه ای مطلوب و ایده آل مورد توجه قرار گیرد.

نظریه ای آینده نگر مربوط به مارکسیستها یا چپ گرایان است که در آموزش و پرورش به این گروه آزادی خواهان نیز گفته می شود.

وجه اشتراک این دو نظریه و دلیل اینکه هر دو با وجود تفاوت فراوانی که با یکدیگر دارند این است که هردو به اجتماع به عنوان منبع اطلاعات برای برنامه ای درسی می نگرند، ولی در تشخیص نیاز ها هر کدام به یک مسیر می روند. یکی نیاز را در این می بیند که دانش اموز به نحوی پرورش یابد تا برای ورود به اجتماع آماده شده، مهارت های لازم را برای ایفای نقش خود به عنوان یک شهروند پیدا کند. دیگری به دنبال ایجاد تغییر و تحول بنیادی و متابولور کردن افکار و اندیشه های انقلابی در ذهن دانش آموز است، تا او را برای ایفای نقش در جهت ایجاد تحول اساسی در نظام کنونی اجتماع آماده کند. بر اساس این دو دید گاه رشد و تکامل فرد به بهبود و دگرگونی شرایط اجتماعی بستگی دارد. (فتحی واجار گاه، ۱۳۸۴)



مفاهیم غلط رایج از یک برنامه درسی

در باره‌ی این که یک برنامه‌ی آموزشی و درسی چیست؟ و دارای چه خصایصی می‌باشد؟، هنوز هم در بیشتر جوامع جهان از جمله جامعه‌ی ما مفاهیم محدود و ناصحیحی در اذهان عامه‌ی و حتی بعضی از مسئولان و دست اندر کاران و مجریان برنامه‌های درسی و آموزشی کشور ما و کشورهای در حال توسعه وجود دارد. برای مثال هنوز هم پهلوی هم گذاردن چند درس را برنامه‌ریزی و فهرست بدست آمده را به غلط برنامه می‌نامند در صورتیکه می‌بایست آنرا صورت اسامی دروس نام نهاد.

گروهی تهیه و تنظیم فهرست و مندرجات برای یک یا چند درس را برنامه‌ریزی درسی یا آموزشی قلمداد می‌کنند در صورتیکه باید این عمل را تهیه‌ی فهرست مندرجات نامید. هنوز هستند کسانی که رئوس مطالب یک یا چند درس را برنامه‌ریزی درسی یا آموزشی می‌نامند در صورتیکه کار آنها چیزی جز تهیه‌ی «رئوس مطالب درسی» نیست. (محمدی، ۱۳۸۱)

به طور خلاصه میتوان مفاهیم غلط از برنامه درسی یا آموزشی را به شرح ذیل برشمرد:

- ۱- پهلوی هم گذاردن دروس مختلف.
- ۲- جدول زمانی ساعات تدریس دروس مختلف در ایام هفتہ یا نیم سال.
- ۳- تهیه و تنظیم فهرست مندرجات برای یک یا چند درس.
- ۴- تهیه و تنظیم رئوس مطالب یک یا چند درس.
- ۵- تهیه و تنظیم محتوی و مواد آموزشی برای یک یا چند درس.
- ۶- فهرست دروس لازم برای گذراندن یک دوره تحصیلی خاص.
- ۷- برنامه‌ی درسی را با برنامه‌ی آموزشی یکی دانستن.
- ۸- برنامه‌ریزی کلان توسعه‌ای را برنامه‌ریزی آموزشی یا درسی نامیدن.
- ۹- برنامه‌ی درسی را مقدم بر برنامه‌ی آموزشی دانستن.
- ۱۰- در اصطلاح به جای آموزشی و درسی بگویند درسی آموزشی. (محمدی، ۱۳۸۱)

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که هنوز در بسیاری از کشورها از جمله جامعه‌ی ما تلاش لازم و کافی برای از میان برداشتن مفاهیم ناصحیح از برنامه‌ی درسی و آموزشی بعمل نیامده است.



سیر تکاملی مفهوم برنامه‌ی درسی در یک جامعه

مانند مفهوم بسیاری از کلمات و اصطلاحات، مفهوم برنامه‌ی درسی نیز در طول زمان تغییرات و تحولات زیادی را پذیرا شده است و در کشور ما و یا سایر کشورهای جهان مفهوم یک برنامه‌ی درسی در حال تغییر و تحول است. مفهوم برنامه‌ی درسی در کشور ما هنوز در چهار چوب محدود تهیه و تنظیم محتوی و مواد درسی و تهیه‌ی فهرست مندرجات و تهیه و توزیع کتاب‌های درسی باقی مانده است. در صورتیکه در بیشتر کشورهای پیشرفته‌ی جهان، از قالب‌هایی چنین محدود و متکی به محتوی خارج شده و مفاهیم بمراتب وسیعتر و عمیق‌تری به بخود گرفته است. (پرونده، ۱۳۷۹)

تعريف برنامه‌ی درسی از نظر برنامه ریزان جهان

برای روشن شدن هرچه بیشتر مفهوم یک برنامه‌ی درسی و بدست آوردن ادراک عمیق‌تر و در نتیجه بدست آوردن بصیرت کافی نمونه‌هایی از تعاریف برنامه‌ی درسی را که بوسیله‌ی برنامه ریزان معروف جهان ارائه شده است در ذیل نقل می‌شود.

تعريف بوبیت

کلیه فعالیت‌هایی که کودکان و نوجوانان در مدارس باید انجام دهند تا توانایی انجام فعالیت‌های ضروری برای زندگی موفق بزرگسالی در آن جامعه را در آنها بوجود آید.

تعريف کازول و کمپ بل

یک برنامه‌ی درسی عبارت است از کلیه‌ی فعالیت‌هایی که توسط کودکان تحت راهنمایی و ناظرات معلم در کلاس انجام می‌شود.

تعريف قدیم سیلر و الکساندر

کلیه‌ی فعالیت‌هایی که تحت ناظرات مدرسه برای بوجود آوردن نتایج مطلوب و مورد نظر در داخل و خارج مدرسه انجام می‌گیرد را یک برنامه‌ی درسی یا آموزشی می‌نامیم.



کلیه ای فعالیت هایی که برای رسیدن به هدفهایی جزئی و کلی در داخل و خارج مدرسه انجام می شود را یک برنامه ای آموزشی و درسی می نامیم.

تعريف اسمیت، استانلی و سورز

تنظيم تجربیات مهم که در مدارس برای عادت دادن کودکان و نوجوانان به فکر کردن و عمل نمودن گروهی در نظر گرفته و اجرا می شود را یک برنامه ای درسی یا آموزشی می گویند.

تعريف خانم تابا

یک برنامه ای درسی و آموزشی بیش از هر چیز بنحوه ای آماده سازی نسل جوان یک جامعه به صورت افرادی سازنده و مفید برای آن جامعه تلقی می شود.

تعريف جدید سیلر و الکساندر

ما یک برنامه ای درسی و آموزشی را عنوان یک نقشه ای که در آن فرصت هایی مناسب یادگیری برای رسیدن به هدفهایی جزئی و هدف های کلی متناسبی که برای جمعیت معینی و مدارس مشخصی معلوم و طراحی شده است تعريف می نمائیم.

نظر ماکنزي

برخورد فراغیر با ابعاد مختلف محیط که تحت هدایت مدرسه طرح‌ریزی شده است.

سیلر و الکساندر

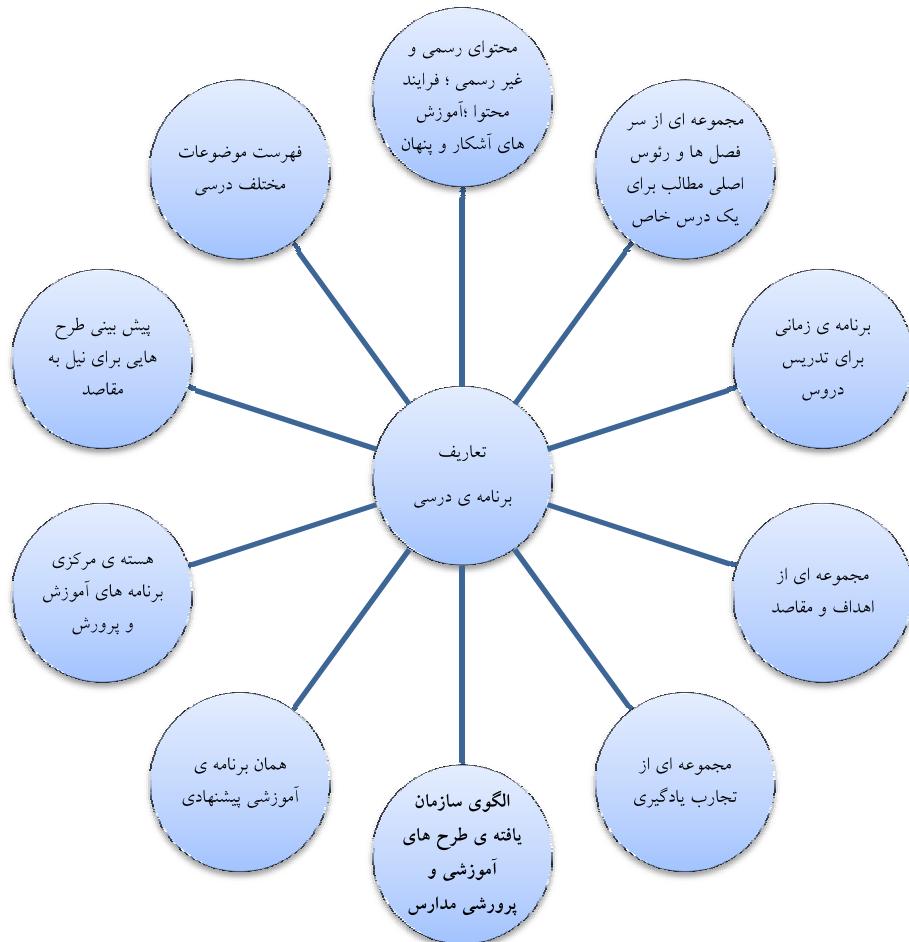
همه ای فعالیت های یادگیری فراغیرنده، انواع وسائل آموزشی، پیشنهاد هایی در مورد راهبردهای یادگیری و شرایط اجرای برنامه.

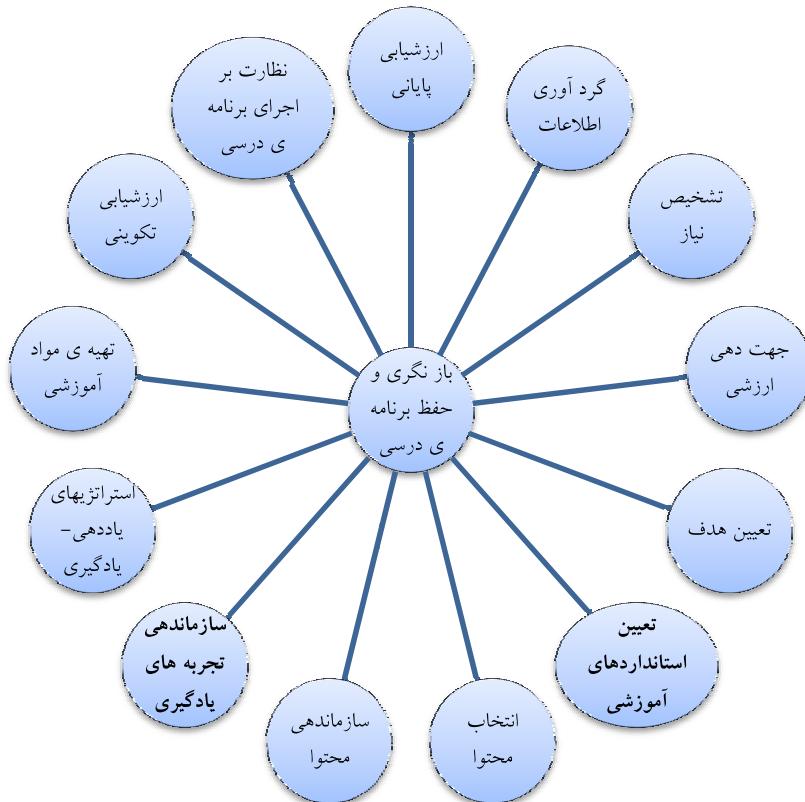
آیزنر

برنامه ای درسی شامل همه ای تجربه های بچه هاست که مدرسه مسئولیت آن را پذیرفته است. (پرونده، ۱۳۷۹)



با توجه به تعاریف بالا از یک برنامه درسی و آموزشی این حقیقت جلوه گر می شود که با وجود اختلاف نظرها در مفهوم برنامه درسی و آموزشی در قالب فعالیت های یادگیرنده و یاد دهنده اختلاف نظر های چشمگیری در مورد هدف و همچنین دامنه و وسعت این فعالیت ها میان صاحبنظران و برنامه ریزان آموزشی فوق الذکر وجود دارد.





مراحل برنامه ریزی درسی

تفاوت برنامه درسی و برنامه ریزی درسی

برنامه درسی شامل: فلسفه در تعلیم و تربیت، ارزشها، هدفها، ساختار سازمانی، مواد آموزشی، راهبرد های تدریس، تجربه های دانش آموزان، سنجش و برونداد های یادگیری می شود. برنامه ریزی اتخاذ یک سری از تصمیم های مستقل برای کاربرد برنامه های درسی می باشد. (پرونده، ۱۳۷۹) برای رسیدن به تفاوتی که بین برنامه درسی و برنامه ریزی درسی وجود دارد باید تعریف های متفاوتی که از این دو مفهوم وجود دارد در نظر بگیریم که به شرح ذیل به آنها اشاره می شود.



تعريف جامع و مانع برنامه‌ی درسی

تعريف هر چیزی باید جامع و مانع باشد، یعنی همه‌ی ویژگی‌های معرف را در بر گیرد و همه‌ی صفات غیر از صفات معرف را در خود نداشته باشد. اگر با این معیار به تعريف های برنامه‌ی درسی توجه کنیم می‌بینیم در نوع خود جامع نیستند و همه‌ی ویژگی‌های برنامه‌ی درسی را در بر نمی‌گیرند. بعضی از آنها به روش تاکید دارند مانند تعاریف، لوى، کازول و کمپ بل و بعضی به محتوا و هدف بیشتر تاکید دارند. علاوه بر این برنامه‌ی درسی ابعاد و جهاتی وسیع تراز برنامه‌ی رسمی و پیش‌بینی شده دارد. آنچه در قالب هدفهای معین به دانش آموزان ارائه می‌شود و قصد این است که فرآگیران فراتر از محتوای برنامه‌ی درسی رسمی، مطالب و نگرش‌ها یی را یاد می‌گیرند که پیش از آن به وسیله‌ی برنامه‌ریزان درسی و معلمان پیش‌بینی شده است.

برنامه‌ی درسی به محتوای رسمی و غیر رسمی، فرایند محتوا، آموزش‌های آشکار و پنهان اخلاق می‌گردد که به وسیله‌ی آنها فرآگیر تحت هدایت مدرسه دانش لازم را به دست می‌آورد، مهارت‌ها را کسب می‌کند و گرایشها، قدر شناسی‌ها و ارزشها را در خود تغییر می‌دهد.

- برنامه‌ی درسی عبارت است از برنامه‌ای که در آن فهرست موضوعات مختلف درسی به تفکیک تعیین و تصریح شده است مانند دروس ریاضی، علوم و

- برنامه‌ی درسی را مجموعه‌ای از سرفصل‌ها و رئوس اصلی مطالب برای یک درس خاص می‌دانند ولی این برداشت از برنامه‌ی درسی بسیار محدود است.

- برنامه‌ی درسی برنامه‌ی زمانی برای تدریس دروس می‌باشد که بر اساس این دیدگاه جدول زمانی تدریس دروس در هفته توسط معلمان و مریبان همان برنامه‌ی درسی است. در صورتیکه برنامه‌ی درسی تنها به برنامه‌ی زمانی تدوین دروس منحصر نمی‌باشد اگر چه عنصر زمان و مدیریت و کنترل آن، یکی از عناصر برنامه‌ی درسی است.

- برنامه‌ی درسی مجموعه‌ای از اهداف و مقاصد می‌باشد. در این برداشت، برنامه‌ی درسی به تعیین اهداف و نتایج یادگیری محدود شده است.

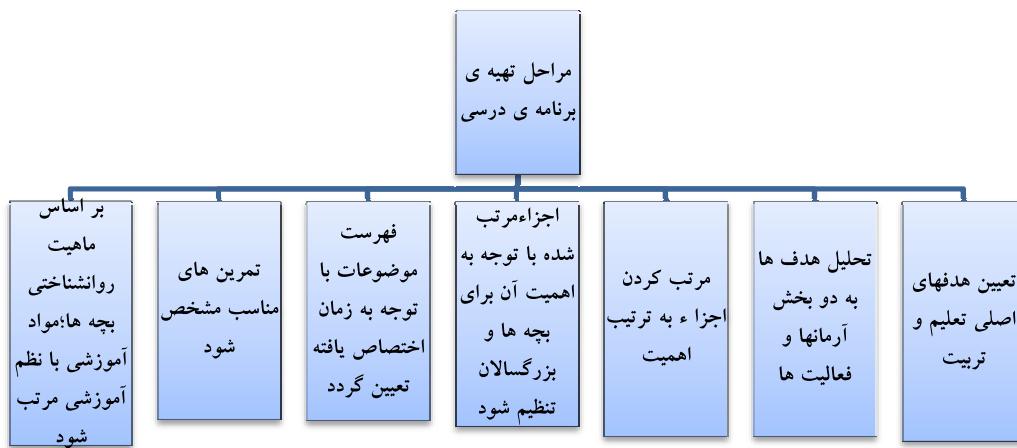
- برنامه‌ی درسی مجموعه‌ای از تجارب یادگیری است.

- برنامه‌ی درسی شامل پیش‌بینی طرح‌هایی است که مدارس به عنوان وسیله‌ای برای نیل به مقاصد خود مورد استفاده قرار می‌دهند. (تقی پور ظهیر، ۱۳۷۷)

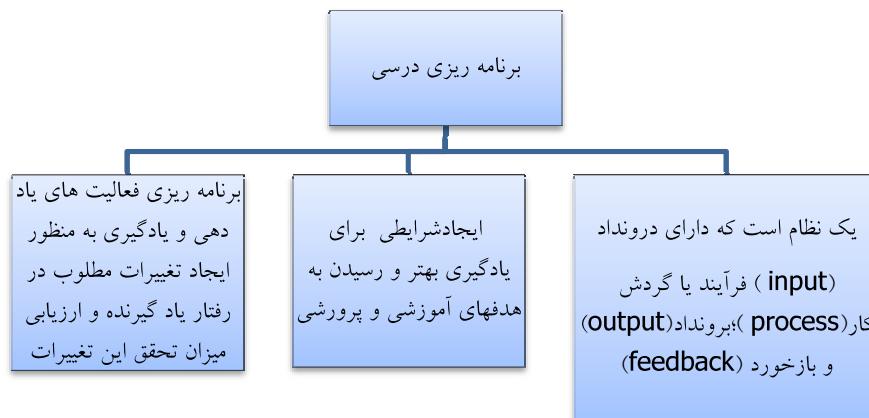
- برنامه‌ی درسی هسته‌ی مرکزی برنامه‌های آموزش و پرورش است.



برنامه‌ی درسی الگوی سازمان یافته‌ی طرح‌های آموزشی و پرورشی مدارس نامیده می‌شود.
- برنامه‌ی درسی در واقع همان برنامه‌ی آموزشی پیشنهادی است که بیانگر کشاندن یادگیرنده به سویی است که برای رشد وی ترجیح داده شده است.



برنامه ریزی درسی یک نظام است که درونداد،(input) فرآیند یا گردش کار (process)،برونداد(feedback) و بازخورد (output) عناصر اصلی آن را تشکیل می دهد.- برنامه ریزی درسی شرایطی را برای یادگیری بهتر و رسیدن به هدفهای آموزشی و پرورشی ایجاد می کند.
تقی پور ظهیر،(۱۳۷۷)



اشتباه برنامه ریزان

گاهی برنامه ریزان، برنامه‌ی درسی را با جریان برنامه ریزی درسی اشتباه می‌کنند. مثلاً مک دانلد، هر دو محتوا و فرآیند را در داخل نظام برنامه‌ی درسی قرار می‌دهد. بدیهی است پذیرفتن این که خود برنامه‌ی درسی یک نظام نیست، ممکن است آن را به عنوان برونداد برای نظام برنامه ریزی و درونداد برای نظام آموزشی تلقی کرد.

در گذشته، برنامه‌ی درسی عبارت بود از مطالب کتابهای درسی که بوسیله‌ی معلم تدریس و به وسیله‌ی دانش آموز حفظ می‌شد. و غرض از برنامه ریزی درسی نیز تهیه‌ی رئوس مطالب درسی و تدوین آنها بود. به این ترتیب که مجموعه‌ی رئوس مطالب لازم برای فراغیری دانش آموز در دفترچه‌ای به نام برنامه‌ی تحصیلات تنظیم و تدوین می‌یافتد. اما امروز مفهوم برنامه ریزی درسی وسیع تر از تهیه و تدوین رئوس مطالب درسی است و آن عبارت است از پیش‌بینی کلیه‌ی فعالیت‌هایی است که دانش آموز تحت رهبری و هدایت معلم در مدرسه برای رسیدن به هدف‌های معین باید انجام دهد. به سخن دیگر برنامه ریزی درسی عبارت است از پیش‌بینی و تهیه‌ی مجموعه‌ی فرصت‌های یادگیری برای جمعیتی مشخص به منظور نیل به آرمانها و هدف‌های آموزش و پژوهش.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب می‌توان نتیجه گرفت که؛ امروز مفهوم برنامه ریزی درسی وسیع تر از تهیه و تدوین رئوس مطالب درسی است و آن عبارت است از پیش‌بینی کلیه‌ی فعالیت‌هایی است که دانش آموز تحت رهبری و هدایت معلم در مدرسه برای رسیدن به هدف‌های معین باید انجام دهد. به سخن دیگر برنامه ریزی درسی عبارت است از پیش‌بینی و تهیه‌ی مجموعه‌ی فرصت‌های یادگیری برای جمعیتی مشخص به منظور نیل به آرمانها و هدف‌های آموزش و پژوهش.

برنامه درسی به عنوان یک حوزه مطالعه، حوزه‌ای نسبتاً جوان است و به علت اینکه برنامه درسی تا حدودی زائیده‌ی نیاز تدارک سهولت در اجرا بود تا یک ضرورت عقلانی، هنوز نتوانسته است خود را به عنوان حوزه برخوردار از بنیاد علمی معرفی کند. در برنامه ریزی درسی نیز، اندیشه‌ی دانش پیش نیاز به طور ضمنی و یا صریح مطرح می‌باشد. حوزه‌ی برنامه درسی و

برنامه ریزی درسی دو قلمرو تخصصی مستقل از یکدیگر نند که استقلال آنها از یکدیگر نیز در دنیا به رسمیت شناخته شده است. تمایز میان قلمرو برنامه‌ی درسی و برنامه ریزی درسی بر اساس سطح برنامه، صحیح نیست. همانگونه که در تعریف دو قلمرو منعکس است، برنامه‌ی درسی و برنامه ریزی درسی هر دو می‌توانند در یک زمینه نمایان شوند. برنامه ریزی درسی یک نظام است که درونداد، فرآیند یا گردش کاربرونداد و بازخورد عناصر اصلی آن را تشکیل می‌دهند. اما برنامه ریزی درسی شرایطی را برای یادگیری بهتر و رسیدن به هدفهای آموزشی و پرورشی ایجاد می‌کند.

منابع

الف لوی. مبانی برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی مدارس، ترجمه، فریده مشایخ، تهران، ۱۳۷۶

تقی پور. علی. مقدمه ای بر برنامه ریزی درسی و آموزشی، تهران، ۱۳۷۷
پرونده. محمد حسن، مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران، نشر شیوه، ۱۳۷۹
فیوضات. یحیی. مبانی برنامه ریزی آموزشی، تهران ، موسسه‌ی نشر ویرایش، ۱۳۷۶
گروه مشاوران یونسکو. فرآیند برنامه ریزی آموزشی، ترجمه دکتر فریده مشایخ، تهران، ۱۳۷۸
۶مهر محمدی. محمود. برنامه‌ی درسی: نظر گاهها، رویکردها و چشم اندازها، مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۸۱،
ملکی. حسن. برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد، ۱۳۸۱

